

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقام شامخ و ارزشمند زن در تاریخ و باور های دینی جوامع و ملل ناهمگون
The status of woman in the history & thoughts of various Nations



مُدُون و مُتَرَجِم : پیکار

۲۵ عقرب ۱۳۹۰

زن اگر آتش نمی بود خام می ماندیم ما

ناچکیده باده ای در جام می ماندیم ما

زن اگر ما را نمی بخشید عمری بر دوام

بی تعلق بی سبب بی نام می ماندیم ما

(تَرْسَم زاده)

حضور جسمی و فکری زن به مثابه پدیده معقول فلسفی و اشرف آفرینش ، در هیچ محیطی و جامعه ای هرگز باعث آفرینش اسباب دشواری برای انسان ها نبوده بلکه

همواره در شرایط دشوار و مصیبت بار از نیروی مادی، معنوی و فکری او در راستای برون رفت از دشواری ها، نجات مردها ، در فرآیند زمانه های مرد سالاری، خانواده ها، رسیدن به کامگاری های سیاسی، اجتماعی، فردی، قومی ، تبار منشی، و دولتمداری ها استفاده های نا همگون زمانی و مکانی صورت گرفته است. زن از همان مقام و صلاحیتی بر خوردار است که بینش آفرینش به همه انسان ها قایل گردیده است. موضع قرآن به مثابه آئین زندگی همه انسان ها، به ویژه باورمندان عقاید معنوی ، عقلانی و باطنی در شیرازه افکار و بینش اسلامی و انسانی، به ویژه در نخستین زمانه های صدر اسلام، شاهد این حقیقت است که حضور و جود زن به اندازه مرد در زندگی جوامع بشری حیاتی و ارزنده بوده و نه در مرتبه بالا تر از مرد قرار داشته و نه هم از هر جهتی فرو دست تر قرار داده شده باشد. اما آنکه تعبیر و تفاسیر زندگی توسط انسان ها به خاطر حفظ مقام و صلاحیت های فردی و شخصی کار را به جایی کشانیده که این حقیقت را وارونه نشان داده است، این فقط انسان ها بوده اند و نه آئین و بینش باور ها و عقاید ناهمگون در شیرازه های زمانی و تاریخی معین که امروز نیز بخاطر عقب مانی فکری، اخلاقی و انسانی به زمزمه گرفته میشود .

اگر جوامع اسلامی در برابر فرهنگ خودی کمی هم تعمق می نمودند، و زیر اثر فرهنگها و تہذیب مردمان باختر زمین قرار نمیگرفتند، و بیگانه ها را بر خودی ها ترجیح نمیدادند، امروز موضوع زن، زن ستیزی، عدم احترام به مقام زن، و زیر پا نمودن کرامت او من حیث انسان مساوی الحقوق، موضوع زن و مقام او در اجتماع هرگز به مثابه پدیده جدید و قابل تشویش در دنیای اسلام ، در میان سایر ملل به وجود نمی آمد. به منظور درک دقیق و عقلانی آنچه که اسلام برای زن در فراز و فرود تاریخ به اجرا در آورده است، لازم است با استفاده از محتوا و سیاق متون

مقدس به شیوه نوین و با در نظر داشت انکشاف و تکامل جدید ساینس و تکنولوژی مدرن ، که جوامع بشری را هم به فردوس و هم به برزخ سوق میدهد، به تعمق و تأمل نشست و هم باری به شرایط زمانی زندگی زنان قبل از اسلام باز گردیم، تا آن حالت تأسف بار دوره جاهلیت را با شرایط کنونی به گونه معقول، در مقایسه به دوره جاهلیت مدرن ای که در کشور های پیشرفته امروز ، در تکوین قرار گرفته، و دارد از معیار ها و شیرازه اخلاقیات معنوی و ارزشمند انسانی بیرون شود، باز گردیم و طرح جدید را باید راه اندازی نمائیم. برخی ها بر این باور هستند که اسلام به زنان حقوق و امتیازاتی را ارزانی فرموده است که هیچ دینی و باوری هم تا کنون آن ها را از آن به گونه معقول و ارزشمند که هویت و شخصیت جسمی و جنسی شان نیز مصئون و محفوظ باقی بماند، تهره مند نساخته است. در اسلام حقوق و وظایف یک زن مساوی با مرد است، اما با هم مشابه نیستند، زیرا مرد و زن با هم مساوی هستند اما با هم مشابه نیستند، اما مساوی و برابر آفریده شده اند. از جهت دیگر باید دانست که واژه های مساوی و مشابه دارای معنی و مفهوم همسان نیستند و از هم متفاوت هستند. تمایز میان برابری و تشابه یا همانندی، دارای اهمیت خیلی ها فوق العاده است. هیچ زمینه ای برای اینکه تصور کنیم که زن به دلیل آنکه حقوق مشابه مرد را ندارد، دارای اهمیتی کمتر از مرد است، وجود ندارد. اگر مقام زن مشابه مقام مرد می بود، دیگر زن در حقیقت نسخه دیگری از مرد می بود، که چنین نیست و نباید هم باشد. اینکه در اسلام به زن حقوق مساوی و نه مشابه حقوق مرد می دهد، نشان دهنده آن است که اسلام هویت، مقام و شخصیت فردی، اجتماعی ، سیاسی و خانوادگی زن را بدرستی در نظر گرفته است، او را به رسمیت شناخته و برای او شخصیت مستقلی قایل است.

این جهان بینی، برداشت و برخورد اسلام نیست که زن را محصول سالوس و بذر بدی می پندارد. قرآن کریم نیز مرد را من حیث ارباب مسلط بر زن که در مقام و مرتبت او، زن هیچ چاره ای ندارد و جز آنکه تسلیم سلطه اش باشد، قرار نداده است، بلکه افراد و اشخاص جوامع ناهمگون اسلامی بوده اند که با در نظر داشت حفظ منافع قشری، قومی، قبیله‌ای، فرهنگی و سنتی شان، زنان را بسوی دیار دیگری سوق داده اند و او را من حیث یک روح واحد به شناخت عقلانی نه گرفته اند. در دنیای اسلام شاید کمتری کسی و شخصیتی را در یافت کنیم که زن را من حیث یک روح نشناخته باشد و یا در مورد روحانی بودن و کیفیت روحانیت تهادینه در او تردیدی داشته باشند، بر خلاف عقاید و باور های رایج اسلامی، تنها بی بی حوا را برای ارتکاب نخستین اشتباه و گناه سرزنش نمی کند، و قرآن این نکته را کاملاً روشن کرده است که هم آدم و هم حوا دچار وسوسه شیطان شدند. هر دو مرتکب خطا و گناه شدند و پس از توبه بخشش خداوند به هردوی آنها تعلق گرفت و سپس خداوند هردوی آنها را پوشانید. **در صورتیکه علامه اقبال لاهوری،** مجتهد سترگ و شخصیت تاریخی در راستای دانش و حکمت دین باوری و تصور آفرینش و ارزشمندی آن از دیدگاه متون مقدس، در زمینه بینش و دیداندازی فکری دیگری داشته و می فرماید که :

آدم آندم که خورد گندم را تخم می کشت نسل مردم را
دانه ای را که خورد زان شجره شد وجود من و تو اش ثمره

علامه اقبال در مورد شخصیت زن و مرد، هردو من حیث اشرف آفرینش که هردو متصف به صفت نیکوی انسانی هستند، آنگونه که در قرآن مجید نیز عبارۀ "یا ایها الناس"، به همه انسان های روی زمین و کره خاکی بدون در نظر داشت عقیده، باور، تبار، زبان، تاریخ، فرهنگ و تہذیب آنها، اطلاق میشود، نظر انداخته و مقام

شامخ انسان و انسانگرایی را در اولویت قرار میدهد و همه بشریت را محصول قدرت آفرینش پروردگار عالمیان دانسته و تمایز و تفکیک خلاف عقلانی را مردود می شمارد و چنین زیبا، می فرماید:

سر یزدان که است انسان است

گنج پنهان که است انسان است

حاصل معرفت حقیقت دین

راز قرآن که است انسان است

عامت الناس تا ولی و نبی

نوع انسان که است انسان است

دهری و بت پرست و صاحب دین

یا مسلمان که است انسان است

مقام زن در اسلام من حیث موجود عقلانی و خداداد، دارای مقامی منحصر به فرد و شخصیت خودی است، مقامی است نوین و چیزی که مشاطب برای آن وجود ندارد، در صورتیکه اگر به سایر نظام ها و ساختار های اجتماعی بنگریم، و یا به دنیای شرق رجوع کنیم و یا هم اگر در نظام های سکولار جستجو کنیم و یا به نظام های به اصطلاح دموکراتیک و آزادی برای انسان ها نظر افکنیم، زنان در واقعیت آزاد نیستند و یا هم اگر آزاد باشند، آزادی آنها به انارشسیسم خانوادگی و اجتماعی تبدیل شده است، و حتی جسمیت و جنسیت آنها نیز در قید دیگران است، و از آن برای بدست آوردن عواید مالی و اقتصادی فردی و شخصی بر خلاف همه داشته های ارزشمندی اجتماعی، مورد تهره برداری قرار میدهند و همواره در قید و زندان بی حد و حصر پول و سرمایه برای همیشه قرار دارند و حتی بعضاً راه و چاره ای را نیز در راستای برون رفت از آن ندارند.

در دنیای امروز، هنوز هم زنان بعضاً برای رسیدن به آزادی کار کردن بخاطر بدست آوردن روزی حلال، و کسب در آمد معقول قابل محاسبه، مجبور است که از خود گذشته‌گی های مشقت باری را تحمل کند و از بسا حقوق طبیعی خود، چشم پوشی کند، و برای رسیدن به مقام لازم و جایگاه مناسب اجتماعی خود، به عنوان یک موجود انسانی دارای روح و روان، تهای سنگینی را پرداخته است. اما بازهم علی رغم این همه فداکاری های سنگین و از خود گذری های صادقانه، در نظام های اجتماعی غربی، هنوز نتوانسته است دارای مقام و موقف مساوی با مردان باشد، و نتوانسته است آن ویژگی های حقوقی و انسانی بینش آفرینش و تصور که خلقت در اختیارش گذاشته است، مورد استفاده درست قرار دهد.

حقوق زنان در دنیای جدید به گونه داوطلبانه و رضامندانه، و یا هم از سر ترحم و شفقت در برابر جنس نسوان، برای شان اعطا نه شده است. زن متجدد بخاطر رسیدن به موقعیت فعلی خود، نه از طریق فرآیند های طبیعی اجتماعی یا مطابق با اصول تعلیمات و آموزش الهی، رسیده است، بلکه او مجبور شده است تا به زور راه خویش را بگشاید و شرایط محیطی و اجتماعی مختلفی در این راستا ویرا یار و مددگار بوده اند، هستند و خواهند بود. کاهش نیروی انسانی در فراز و فراز جنگ ها، نیاز مندی های اقتصادی و بازرگانی، ضرورت های توسعه و گسترش صنعتی، زنان را مجبور و مکلف ساخته است تا از خانه و کاشانه بیرون آمده و برای بدست آوردن قوت لایموت خویش، و بخاطر آفرینش آسایش حیات خانوادگی، و برای بکار برد همت انسانی و فردی خود، مبارزه کنند تا مساوی مرد به نظر برسند و هم توانسته باشد از هستی اجتماعی و نعمات مادی و معنوی مساوی و موازی با مرد بهره مند گردد.

زن در هستی و زندگی اجتماعی همه ملل من حیث شریک مساوی و تام الاختیار با مرد ، در امر تولید و تکثیر نسل بشر به رسمیت شناخته می شود. مرد پدر است و زن مادر، و هر دوی آنها برای بقای نسل بشر و ادامه حیات و تنظیم و ترتیب و تشکیل خانواده و اجتماع انسانی، ضروری پنداشته میشوند. از این سبب آنها در هر شرایطی ، زمانی و مکانی، دارای سهم و نقش مساوی هستند، زیرا این مساوات را ظرفیت عقلانی شان بدوش دارد، و نه موجودیت فیزیکی ، جسمی و یا هم جنسی آنها. آنها هر دو مسؤولیت های مساوی را بدوش می گیرند، و در تهاد هر دوی آنها ظرفیت عقلانی من حیث یک اصل آفرینش، حضور داشته و لی شاید دارای شرایط نا همگون کاربرد زمانی و مکانی در عرصه های زندگی اجتماعی و خانوادگی باشند. در قرآن مجید در زمینه به نحو واضح ارشاد شده است که :

" ای مردم ، ما شما را از نری و ماده ای بیافریدیم. و شما را جماعت ها و قبیله ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید. هر آئینه گرمی ترین شما نزد خدا، پرهیزگار ترین شماست. خدا دانا و کاردان است " (49/13)

و یا هم در آیه دیگری این چنین ارشاد شده است که :

" ای مردم، بترسید از پروردگار تان، آن که شما را از یک تن بیافرید و از آن یک تن همسر او را و از آن دو، مردان و زنان بسیار پدید آورد. و بترسید از آن خدایی که با سوگند به نام او از یکدیگر چیزی می خواهید و زتهار از خویشاوندان مبرید. هر آئینه خدا مراقب شماست. " (1:4)

زنان در مسؤولیت های فردی، جمعی ، خانوادگی و اجتماعی و همچنان دریافت پاداش برای کردار و پندار نیکش، با مردان برابر است . زن به مثابه شخصیت مستقل دارای کیفیت های انسانی و اخلاقی و قابلیت تمایلات معنوی شناخته شده است .

طبیعت انسانی او نه پست تر و نه منحرف تر از مرد است. و هر دوی آنها اعضای یک دیگرند، آنگونه که در قرآن مجید ارشاد شده است:

"پروردگار شان دعای شان را اجابت فرمود که: من کار هیچ کارگزاری را از شما، چه زن و چه مرد - همه از یکدیگرید - ناچیز نمی سازم. پس گناهان کسانی را که مهاجرت کرده اند و کشته شده اند، می زدایم و آنان را در تهنشهایی که در آن تهرها جاری است داخل میکنم. این پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خداست." (4/195) ، و یا هم در آیه زیر این چنین ارشاد شده است : "شکیبایان و راست گویان و فرمانبرداران و انفاق کننده گان و آنان که در سحر گاهان آموزش می طلبند." (3/17) و یا هم در آیه 19/66:

" آدمی می گوید: آیا زمانی که بمیرم، زنده از گور بیرون آورده خواهم شد؟ "

زن در کسب تعلیم و آموزش و در دنبال نمودن آن با مرد مساوی و موازی است. زیرا اسلام طلب علم و حکمت را برای هر زن و مرد مسلمان واجب نموده است، و هیچ تفاوتی را میان زن و مرد قایل نه شده است. زن دارای آزادی بیان در برابر مرد است، و آزادی درست او مورد توجه قرار گرفته است، و نباید بخاطر این که متعلق به جنس مؤنس است، کنار گذاشته شود. از سیاق قرآن و تعلیمات متون ، سیاق آثار و آفریده های مقدس گزارش شده است که زنان نه تنها عقاید خود را آزادانه بیان میکردند بلکه با پیامبر و با سایر شخصیت های عقیدتی و باور های دینی مسلمانان بحث نموده و یا در مباحثات به نحو شایسته و جدی سهم می گرفتند. شواهد تاریخی نشان میدهد که زنان در فرآیند زندگی اجتماعی مسلمانان صدر اسلام ، بخصوص در موارد اضطراری شرکت می ورزیدند، و لشکر اسلام را در جنگ ها همراهی می نمودند، تا از آتھایی که زخم بر میداشتند پرستاری نموده و ضروریات زندگی و مایحتاج شان را تأمین کنند.

به مبارزین و مجاهدین خدمت نمایند و آنها در راستای انجام کار های بزرگتر ، به شمول رهنمایی های طریفانه و عقلانی یار و مددگار باشند.

زن مسلمان، همواره با سنت قدیمی اش ، به نام " حجاب" ، که بیشتر دارای معنی و مفهومی معنوی، اخلاقی، باطنی، فکری و زبانی است، خویشتن را با پرده افتخار، عزت، عفت، شرف پاکی، صداقت و انسجام که بینش واقعی و عقلانی اسلامی است، خویشتن به آرایش و پیرایش قرار داده است. سیاق اسلام زن را هدایت داده است که او باید از هر گونه رفتار و حرکاتی که باعث افروختن احساسات مردان دیگر به غیر از همسر قانونی او میگردد، و یا باعث ایجاد سوء ظن در مورد شیرازه اخلاقی او شود، پرهیز نماید. به او هدایت داده شده است که زیبایی ها و جذابیهای فزیکتی ، جنسی و جسمی خود را در برابر بیگانگان و نا محرمان به نمایش نگذارد. آنگونه که در قرآنکریم ارشاد شده است:

" به مردان مؤمن بگو که چشمان خویش را فرو گیرند و شرمگاه خود را نگه دارند. این برایشان پاکیزه تر است. زیرا خدا به کار هایی که میکنند آگاه است."

(24/30)

" و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش را فرو گیرند و شرمگاه خود نگه دارند و زینت های خود را جز آن مقدار که که پیداست آشکار نکنند و مقنعه های خود را تاگریبان فرو گذارند و زینت های خود را آشکار نکنند، جز برای شوهر خود، یا پدر خود، یا پدر شوهر خود، یا پسر خود، یا پسر شوهر خود، یا برادر خود، یا پسر خواهر خود، یا زنان هم کیش خود، یا بندگان خود، یا مردان خدمت گزار خود که رغبت به زن ندارند، یا کودکانی که از این امور آگاهی ندارند. و نیز چنین پای بر زمین نزنند تا آن زنت ای را که پنهان کرده اند، دانسته شود. ای مؤمنان، همگان به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار گردید. " **(24/31)**

برخی از پژوهگران اسلامی، به این باور هستند و هم از آن به گونه دقیق دفاع می کنند که مقام زن در شیرازه اخلاقیات باور های اسلامی بطور بی سابقه ای رفیع و بطور واقع گرایانه ای متناسب با طبیعت و سرشت او هماهنگ است. شاید در بسیاری از زمینه های دیگر این محرومیت بطور کامل یا چیز های بیشتری جبران شده باشد. این حقیقت که او متعلق به جنس مؤنث است هیچ تأثیری منفی بر مقام و منزلت فردی، اجتماعی، مستقل و سیاسی او ندارد و نمی تواند مبنای هیچ تعصبی بر خلاف او و یا بی عدالتی نسبت به شخص او قرار بگیرد. اسلام به زن جایگاهی را بخشیده است که شایسته اوست. حقوق او به زیبایی متناسب با وظایف اوست و توازن میان حقوق و وظایف او خیلی ها خوب، معقول و زیبا و عادلانه حفظ شده است و هیچ یک بر دیگری سنگینی یا برتری ندارد. جایگاه کامل زن در این آیه ای از قرآن به این گونه زیبا تصویر برداری شده است:

" باید که زنان طلاق یافته تا سه بار پاک شدن از شوهر کردن باز ایستند. و اگر به خدا و روز قیاما ایمان دارند، روا نیست که آنچه را که خدا در رحم آنان آفریده است پنهان دارند. و در آن ایام اگر شوهران شان قصد اصلاح داشته باشند به باز گرداندن شان سزاوار ترند. و برای زنان حقوقی شایسته است همانند و وظیفه ای که بر عهده آنهاست ولی مردان را بر زنان مرتبتی است. و خدا پیروزمند و حکیم است" (2:228)

باید گفت که این امتیاز علنی برتری مرد ها بر زنان ، اعتبار بخشیدن بر ای تسلط بر زنان نیست، بلکه این برتری متناسب مسؤلیت های اضافه و بیشتر مرد ان است و به منظور جبران تعهدات نا محدودی است که بر عهده اوست. البته این مسؤلیت های اضافه است که در آن زمان و مکان مطابق شرایط وقت، به مرد در بعضی موارد ، به ویژه جنبه های اقتصادی ، تا حدی برتری مرد را بر زن میدهد ، زیرا

شرایط کاری زنان در آنوقت محدود بوده است و مردان بیشتر در صحنه های کار های شاقه و دشواری آفرین ، ظاهر می شدند. این خود موضوع تاریخی بودن سیاق قرآنی را واضح و آشکار می سازد، اما این یک درجه بلند تر بودن مرد در برابر زن در شخصیت و مقام نیست بلکه در نقش آفرینی آنها است. این مسئله حتی به معنی تسلط یکی بر دیگری و یا سرکوب یکی توسط دیگری هم نیست. این در واقعیت امر تقسیم رحمت و برکات خداوند بر اساس بینش و طبیعت آفرینش است که خداوند تبارک و تعالی برای این دو جنس مخالف و لی موافق در سرشت و احساس و خرد، من حیث موهبت خویش در نظر گرفته است، آنگونه که ارشاد فرموده است :

" ای مردم از پروردگار تان بترسید، آن پرورگاری که شما را از یک تن واحد بیافرید، و از آن یک تن همسر او را هم پدید آورد، و از آن دو مردان و زنان بسیاری بیافرید."

(4:1)

باید گفت که از دیر زمانی به این طرف، در جوامع ناهمگون بشری، در میان دسته های منور و تحصیل یافته، روشنفکران و شخصیت های های معروف علمی و سیاسی، فیلسوفان، متکلمان، فقه ها، به شمول راهروان بینش فمینیسم، یا جانبداران و مدافعان حقوق اجتماعی و فردی قشر نسوان، تا کنون دارای نظریات و داشته های فکری مختلفی در ارتباط با تفاوت های معین میان مرد و زن ، وجود داشته است. با افسوس فراوان ، اغلب این تفکرات، بینش ها، چکیده های فکری و تئوری ها بر مبنای برتری مرد بر زن استوار است و هر گز نگاهی واقع بینانه به مقام و شخصیت زن به عنوان نوع بشر، و اشرف آفرینش، صورت نگرفته است، از این سبب همواره در فراز و فرود تاریخ حقوق حقه جامعه زنان نا دیده گرفته شده است و این مسئله به دلایل مختلف من جمله عدم آگاهی زنان و روحیه گذشت و فداکاری

در برابر مردان که در شیرازه اخلاقی شان تهنه است وجود داشته و خیلی ها عادی تلقی شده و از کنار آن براحتی گذشته اند. اما با ظهور اسلام، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، با رفتار و گفتارش مقام زن را ارج نهاد و با معرفی برترین و والا ترین الگوی زنان مسلمان به جهانیان، دیدگاه اسلام را نسبت به " زن "، بیان فرمود.

قرآن زن و مرد را یک سرشتی میداند : از آنجایی که واضح است، قرآن تنها مجموعه قوانین و مقررات نیست، و هم محتوا و سیاق آن تنها یک سلسله مقررات و قوانین خشک، متجرد و بدون تفسیر و تعبیر عقلانی و انسانی نیست. در قرآن هم قانون حضور دارد و هم تاریخ، و هم پند و اندرز، هم تعبیر و تفسیر و هزاران مطالب و مسایل دیگر. اما نباید فراموش کرد که تعبیر کننده ها، تفسیر کننده ها، و شناسنده های قرآن نیز مانند ما و شما ها انسان هستند و از سهو، اشتباه و خطا خالی نیستند. از جمله مسایلی که در قرآن تفسیر شده است ، موضوع آفرینش و خلقت زن و مرد است. قرآن در این زمینه سکوت نکرده است و به آتھایی که به بیهوده سرایی اشتغال ورزیده اند و یا هم میورزند، مجال نداده است تا فلسه ای را از نزد خود و هم مقرراتی را برای زن و مرد ، بتراشند و مبنای این مقررات را تصور و بینش تحقیر آمیز اسلام نسبت به زن معرفی کنند. اسلام پیمایش بینش خود را در باره زن بیان کرده است، اما اینکه در شیرازه زمانی و تاریخی، برخی ها از آن به نفع خود، به نفع جنسیت، و به نفع نفس خودی استفاده نادرستی انجام داده اند، آن دیگر تقصیر و کوتاهی از اسلام نیست بلکه از مسلمان است. در قرآن از آنچه در بعضی از کتب مذهبی است که زن از مایه پائین تر نسبت به مرد برخوردار است، و یا آفریده شده است، و یا هم به زن جهت و جنبه طفیلی آفرینش از جانب چپ آدم داده اند، و گفته اند که همسر آدم اول از عنصری از اعضای طرف چپ او

آفریده شده است، خبری نیست. از این سبب در اسلام نظریه تحقیر آمیز و توهین گونه نسبت به زن از لحاظ سرشت و طینت و بینش آفرینش، وجود ندارد. قول معروف است که فرموده اند: " فرآیند تعلیم و آموزش زنان مسلمان، زمینه اساس و بنیاد گرفتاری اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی امت مسلمه را فراهم ساخته است، زیرا انتقال دانش و فهم مادر به فرزندان، باعث انکشاف، ترقی، و تعالی ابعاد ناهمگون موقف و مقام نسل آینده می گردد." (پ. ز. 1998م)

یکی از دیدانداز های تحقیر آمیزی که در گذشته ها وجود داشته است و در ادبیات و آفریده های ادبی جهان اثرات نا مطلوبی را گذاشته است، این است که گویا زن منبع و مرکز گناه است، زیرا از وجود زن وسوسه و شر بر می خیزد، زن سالوس کوچک است. شیطان زن را وسوسه می کند و زن مرد را. می گویند آدم مادامی فریب شیطان خورد و از تهمت سعادت بیرون رانده شد، از طریق زن بود که گویا شیطان حوا را فریفت و حوا آدم را به پرتگاه فریب رسانید. دکتر علی شریعتی در مورد این مسئله چنین می گوید: " آدم و حوا در آن زمان در فردوس نادانی و بی خبری قرار داشتند، و زمانی که به خوشه گندم دست یازیدند، و آگاهی پیدا نمودند که چه محصولی و بری دارد، در واقعیت به دوزخ آگاهی و عقلانی پا گذاشتند که محصول آن امروز کافه بشریت است"، و علامه اقبال این حرف عباره منطقی را خیلی ها زیبا به تصویر شعری در آورده است که می گوید:

آدم آندم که خورد گندم را تخم می کشت نسل مردم را
دانه ای را که خورد زان شجره شد وجود من و تو اش ثمره

قرآن داستان تهمت آدم را مطرح کرده ولی هرگز نگفته که شیطان توسط مار حوا را فریب داد و حوا آدم را. قرآن نه حوا را مسؤل اصلی معرفی می کند و نه هم او را از حساب بیرون می سازد. قرآن آنجا که پای وسوسه شیطان را به میان می

کشند، ضمیر ها را به شکل " تنیه"، می آورد و می گوید : **فوسوسو لهما الشيطان،.....** شیطان آن دو را وسوسه کرد، و آن دو را به فریب رهنمایی کرد، و در برابر هرد سوگند یاد کرد که جز خیر آنها را نمی خواهد. به این ترتیب قرآن به یک فکر ، بینش و تصور رایج آن عصر و زمان که هنوز هم در گوشه و کنار جهان بقایی دارد، سخت به مبارزه پرداخت و جنس زن را از این اتهام که عنصر وسوسه و گناه و شیطان کوچک است مبرا ساخت. یکی دیگری از نظریات تحقیر آمیزی که نسبت به زن وجود داشته است ، در ناحیه استعداد های روحانی و معنوی زن است: می گفتند که زن به تهست نمی رود، زن مقام معنوی و الهی را نمی تواند طی کند، زن نمی تواند به مقام قرب الهی برسد، آنگونه که مرد می تواند. قرآن در آیات فراوانی تصریح نموده است که پاداش اخروی و قرب الهی به جنسیت مربوط نیست، بلکه به ایمان، تقوا و عمل صالحه مربوط است، چه از طرف زن باشد و چه از طرف مرد. قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدیسی از یک زن بزرگ و قدیسه یاد می نماید.

در سیاق قرآنی همواره تلاش صورت گرفته است تا در داستان های خود، موازنه را میان زن و مرد را حفظ کند و قهرمانان را تنها به مردان منحصر نکرده است. اسلام در " **سیر من الخلق الی خالق**"، یعنی در حرکت و مسافرت بسوی خدا هیچ تفاوتی را میان زن و مرد قایل نیست، تفاوتی که اسلام قایل است در " **سیر من الحق الی الخلق**"، است، در بازگشت از حق بسوی مردم و تحمل مسؤلیت پیمبری است که مرد را برای این کار، مناسب تر دانسته است، در صورتی که اکنون این تصور نیز با در نظر داشت شرایط زمان و مکان تغییر یافته است. یکی دیگر از نظریات تحقیر آمیزی که نسبت به زن وجود داشته است، مربوط است به رضایت جنسی و تقدس تجرد و عزوبت. چنانکه می دانیم در برخی از آئین ها

رابطه جنسی را ذاتاً در زمره پدیده های پلید و نامأنوس می دانند. به باور و عقیده این آئین ها، تنها کسانی به مقامات معنوی نایل می شوند که همه عمر شان را به گونه مجرد سپری نمایند. اسلام از ابتدای پیدایش و ظهور خویش با این خرافه و خرافه گرایی در نبرد سخت و بی رحانه قرار داشت. اسلام ازدواج را مقدس و تجرد را پلید می شمرد. اسلام دوست داشتن زن را جز اخلاق انبیا معرفی کرد و فرمود: " **من اخلاق النبیأ حب النساء**، پیامبر اکرم می فرمود: من به سه چیز علاقه دارم. **بوی خوش، زن و نماز**. برترانداسل می گوید: در همه آئین ها نوعی بد بینی به علاقه جنسی دیده می شود، مگر در اسلام دیده نمی شود. اسلام از نظر اجتماعی حدود و مقرراتی را برای این علاقه وضع نموده است، اما هرگز آن را پلید نشمرده است. یکی دیگر از نظریات تحقیر آمیزی که در باره زن وجود داشته این است که می گفته اند زن مقدمه وجود مرد است و برای مرد آفریده شده است. اسلام هرگز چنین سخنی را به میان نه آورده است. اسلام اصل علت غایی را در کمال صراحت بیان می کند. اسلام با صراحت کامل می گوید که زمین و آسمان، ابر و باد، گیاه و حیوان، همه برای انسان آفریده شده است، اما هرگز نمی گوید که زن برای مرد آفریده شده است. اسلام می گوید که هر یک از زن و مرد برای یکدیگر آفریده شده اند: " **هن لباس لکم و انتم لباس لهن**، زنان زینت و پوشش شما هستند و شما زینت و پوشش آنها. اگر قرآن زن را مقدمه مرد و آفریده برای مرد می دانست قهراً در قوانین خود این جهت را در نظر می گرفت و لی چون اسلام از نظر تفسیر خلقت چنین نظری ندارد و زن را طفیلی وجود مرد نمی داند، در مقررات خاص خود در باره زن و مرد به این مطلب نظر نداشته است. یکی دیگری از نظریات تحقیر آمیزی که در گذشته در باره زن وجود داشته این است که زن را از نظر مرد یک شر و بلای اجتناب ناپذیر می دانسته اند. بسیاری از

مردان با همه تهره هایی که از وجود زن می برده اند او را تحقیر و مایه بدبختی و گرفتاری خود می دانسته اند. قرآن کریم مخصوصاً این مطلب را تذکر میدهد که وجود زن برای مرد خیر است، مایه سکونت و آرامش دل اوست. یک دیگر از این نظریات تحقیر آمیز این است که سهم زن را در تولید فرزند بسیار ناچیز میدانسته اند. اعراب دوران جاهلیت و بعضی از ملل و اقوام دیگر مادر را فقط به منزله ظرفی می دانسته اند که نطفه مرد را که بذر اصلی فرزند است، در داخل خود نگاهمی دارد و رشد می دهد. در قرآن مجید ضمن آیاتی که می گوید شما را از مرد و زنی بیافریدیم و بر خی آیات دیگر که در تفاسیر توضیح داده شده است، به این طرز تفکر و بینش خاتمه داده شده است. از آنچه که گفته شد، معلوم شد که اسلام از نظر فکری و فلسفی و از دیدگاه تفسیر آفرینش، نظر تحقیر آمیزی به زن نداشته است بلکه آن نظریات را مردود شناخته است. **اکنون نوبت این است که بدانیم که فلسفه عدم تشابه حقوقی مرد و زن چیست.** اسلام در حق زن نظریه ای را ابداع نموده است، از روزی که جنس بشر پا به عرصه هستی گذاشته است، تا آن روز، چنین طرز تفکر و بینش در مورد زن هرگز وجود نداشت. اسلام در این نظریه خود، با تمام مردم جهان در افتاد و به مجادله پرداخت، و زن را آنگونه که هست و بر آن اساس که آفریده شده به جهان معرفی کرده، اساسی که که بدست بشر منهدم شده و آثارش نیز محو گشته شده بود. اسلام عقاید و آرای را که مردم در باره زن داشتند و رفتاری که عملاً با زن می کردند را بی اعتبار نموده و خط بطلان را بر آنها کشید. مشاهده و اندوخته های متعدد، این معانی و مفاهیم را به اثبات رسانیده است که مرد و زن دو فرد جداگانه از یک نوع و از یک جوهر هستند، جوهری که نامش انسان است، چون تمامی آثاری که از انسانیت در صنف مرد مشاهده شده، در صنف زن نیز مشاه شده است. اگر در مرد فضایی، مانند سخاوت، شجاعت،

علم، خویشتن داری، و امثال آن به مشاهده رسیده است، در صنف زن نیز دیده شده است، و آتھم بدون هیچ تفاوتی و یا شاید هم با تفاوت خیلی ها کمی، به مشاهده رسیده است.

مقام و هویت زن در سایر آئین ها: بیشتر امت های قدیم نیز باور داشتند که عبادت و عمل صالح و درست زن در درگاه خداوند تبارک و تعالی قابل پذیرش نیست، و در یونان قدیم نیز زن را دور از شرافت انسانی اش پدیده پلید و دست پرورده شیطان می دانستند، و رومیان و بعضی از یونانیان نیز باور داشتند که گویا زن دارای نفس مجرد انسانی نیست، ولی مرد دارای آن است، و حتی در سال 586م، در فرانسه کنگره ای تشکیل گردید تا در مورد زن و اینکه آیا زن انسان است یا خیر بحث کنند! بعد از گفتمان گسترده و متداوم و جر و بحث های بسیار طولانی، به این نتیجه رسیدند که بلی زن نیز انسان است اما نه چون مرد انسانی مستقل، بلکه انسانی است مخصوص انجام خدمت گراری برای پیشبرد اهداف و امیال مردان.

زن در دید انداز عرفا: جناب محی الدین، سر، محبوب بودن زن را که در بیان پیامبر گرامی اسلام به گونه واضح و خیلی ها با عظمت آمده است، در این می داند که چون ذات اقدس خداوند منزّه از آن است که بدون تجلی و مظهر مشاهده شود، پس هر مظهري که بیشتر جامع اسماً و اوصاف الهی باشد، تھتر خدا را نشان میدهد. و زن در مظهریت خدا کامل تر از مرد است، زیرا مرد فقط مظهر قبول و انفعال الهی است، مظهر فعل و تأثیر الهی نیز هست، چون در مرد تصرف می کند و آن را محبوب و مجذوب خویش قرار داده و محب خود می سازد، و این تصرف و تأثیر نموداری از فاعلیت خداست، از این جهت زن کامل تر از مرد است، اگر مرد بخواهد خدا را در مظهریت خود مشاهده کند، شھود او تام نیست و لی اگر زن بخواهد خدا را در مظهریت زن بنگرد، شھود او به کمال و تمام می رسد. لذا زن

محبوب پیامبر اکرم قرار گرفت و در مورد این چنین فرمود: از دنیای شما زن و بوی خوش محبوب من قرار داده شده و نور چشم من نماز است.

زن در تاریخ ملل گوناگون : آنگونه که گفته آمدیم، در تمام مذاهب و ادیان الهی زن و مرد از " نفس واحده"، آفریده شده اند. در عهد قدیم آمده است : " پس خدا موجودات را آفرید، لیکن برای آدم معاونی موافق با ویژگی های وی پیدا نشد و خداوند خوابی گران بر آدم مستولی گرداند تا بخت ، و بعد خداوند زن را بیافرید و نزد آدم آورد". مزید بر آن زن را موجود ضعیف و ناتوان به شمار می آوردند. به دوشیزه ها میراث نمی دادند، و با برخی ها مطابق ویژگی های ماهیت انسانی برخورد نمی نمودند، و به این فکر بودند که شاید خداوند زن ها را تنها برای خدمت گزاری مرد ها آفریده است. مرد ها می توانستند زن های متعدد بگیرند و هم صلاحیت طلاق شان را داشتند. اگر زن می مرد، مرد حق زن گرفتن بار مجدد را داشت، اما مادامی که مرد می مرد، زن نه تنها اینکه، دیگر حق ازدواج را نداشت، بلکه از معاشرت اجتماعی نیز محروم می گردید. در فرهنگ هندوستان زن تابع فرهنگ شوهر بود بعد از وفات مرد، او دیگر حق نداشت ازدواج کند و باید با جسد شوهر سوزانده میشد... و مادامی که بیماری ماهوار مبتلا می شد، مرد ها به دیده حقارت به آنها نظاره می کردند. زن در میان ملل قبل از اسلام، حد وسط میان انسان و حیوان بود، و از او مانند انسان ضعیفی که باید به انسان های متوسط کمک بدهد استفاده می شد. اعراب مشرک و خشن، بی رحم و متعصب دختران معصوم خود را زنده به گور می کردند.

پیامبر اسلام (ص)، بعد از ارشاد کلیمه توحید با اشاره به پروردگار در قرآن، اول کاری که کرد ، از این عادات شوم اعراب جلوگیری نمود، و آن حضرت به زنان و دوشیزه گان احترام می گذاشت و با تمام عظمتش، به زن های پیر و سر سفید سلام

می‌کرد، و آنگونه که شیعه و سنی نقل کرده‌اند، مکرر دست دخترش فاطمه را می‌بوسید و می‌فرمود: "فاطمه پاره تن من است، هر کس او را اذیت کند حقیقتاً مرا اذیت نموده است و هر کس مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده است."

برای روشنفکران و نو اندیشان مسلمان لازم است توجه بفرمایند که واقعیت‌ها و دستور العمل‌های زن‌گرایان "فمینیست"، با شیرازه‌ها و معیارهای اعتقادی دین ستیزانه گونه پذیرفته‌اند که هرگز سر سازگاری با معیارهای هستی‌آفرین گرایش عقلانی اسلامی در راستای حمایت از زن و حقوق او ندارند.

مبانی فمینیسم: مبانی اساسی فمینیسم یا زن‌گرایی غربی عبارت است از:

- نفی نمودن کلیسا و نفوذ مسیحیت .
- مذهب زدایی و دور ساختن دین از خانواده و زندگی گرم خانوادگی.
- نفی اصالت‌های شیرازه‌های اخلاقیات دینی در مورد زن، از جمله عفت، حجاب عقلانی و معنوی، پارسایی، وفاداری، حیا، و سایر ارزش‌های اجتماعی، انسانی و فردی از دیدگاه دین باوری.
- شکستن حریم خانواده و تعهدات خانوادگی .
- مبارزه بی‌امان بر خلاف هر گونه مظاهر پیوند‌های خانوادگی.

بر بنیاد ارشادات اسلامی و قرآنی، همه مسلمانان باید همواره جایگاه، حقوق و منزلت زن و خانواده را خیلی مقدم و مکرم دانند. کرامت وجودی و هستی او را باید همواره مد نظر گرفت. زن را باید من حیث مری سعادت انسانی قلمداد نمود. آزادی و تساوی حقوق مرد و زن را باید همواره در نظر داشت.

جایگاه زن در جوامع متمدن گذشته: جوامع متمدن آن روزگار نیز بسا مسایلی داشته‌اند، که مقام زن و شخصیت او را زیر پرسش‌های ناهمگون برده است. در آنزمان نیز پدر مسؤولیت و اختیار تصمیم‌گیری در مورد ادامه زندگی فرزند تازه متولد

را داشته و همچنین می توانسته است به زندگی هر یک از اعضای خانواده و مخصوصاً زن خودش خاتمه دهد. فقط پسران ارث داشته اند و دختر و زن متوفا هیچگونه حقی را از ارث نداشته اند. در روم قدیم زن و دختر دارای کوچکترین شخصیت بوده و هیچ اختیاری را به دختران و زنان نداده و آنها را مانند اشیا مورد خرید و فروش قرار میدادند. زن حق مالکیت، معاشرت، رفت و آمد و حتی حق زندگی را نیز نداشته است و در انتخاب شوهر، به هیچ وجه نظر زن مهم نبوده است.

در یونان باستان نیز، هدف از ازدواج، ادامه نسل توسط پسر بوده است و زنی که صلاحیت و یا امکانات به دنیا آوردن فرزند پسری نمی داشت، خیلی ها ساده بدور انداخته می شد و هیچ وقت من حیث شریک زندگی مطرح نبوده است و با اعتقاد بر اینکه **زن دارای روح جاودانه انسانی نیست**، می گفتند حق ندارد بعد از مرگ شوهرش زنده بماند، بلکه باید با جسد شوهرش سوزانده شود. در کشور اسکندناوی، تا صد سال قبل نیز دختران و زنان از وراثت محروم بودند. در **ایران** نیز دختر حق انتخاب شوهر را نداشته است. ازدواج با بیگانه مردود شمرده می شد، حتی گویا جهت نجات از این دشواری، ازدواج با محارم را قانونی اعلام کرده بودند که ازدواج **تھرام چوبین با خواهرش**، نمونه ای از این گونه مناسبات اجتماعی است، و طلاق بدون هیچ مصلحتی و رعایت حقوق و امتیازات طرفین به خواست مرد صورت می گرفت و زن حق مستقل اقتصادی نداشته است.

چرا جنبش فمینیسم به وجود آمد؟ : یک واقعیت مسلم است که محرومیت های معین در جوامع ناهمگون غرب و امریکای شمالی، فرو پاشی شیرازه های اخلاقیات اجتماعی و خانوادگی، استفاده نادرست از شخصیت جنسی و جسمی زنان در این جوامع و بکار برد آنها من حیث وسیله در آمد های نا مشروع مالی و اقتصادی، و

بینش پدیده استهلاکی و افزاری در بربر آنها، باعث آفرینش اسباب جهش و جنبش "فیمینیسیم"، یا "جانب داری از حقوق زنان"، گردید که در سده بیستم با شعار، بدست آوردن حقوق زنان، آزادی زنان از زندان شیرازه های اخلاقیات بد اجتماعی و ایجار فرآیند بینش معنوی و انسانی برای آنها از یک سو، و برابری و تساوی حقوق از سوی دیگر، به وجود آمد. اما این تھضت به دلیل اینکه با احساسات توأم بوده و تا حدی از مبانی و پایه های عقلانی و علمی بی تھرہ بود، و هر چند حقوق زیادی را برای زنان ثابت ساخت اما در برابر یک سلسله از بد بختی ها و اسارت های جدیدی را نیز برای زنان به ارمغان آورد. به عنوان مثال هر چند مالکیت زن به رسمیت شناخته شد و در ظاهر مسئله به نفع زنان بود و یکی از حقوق از دست رفته خویش را بدست آوردند اما در واقع با گسترش تکنولوژی و آفرینش کار خانه های بزرگ و نیاز به نیروی فروان با کمترین هزینه، از زن به عنوان نه تنها کارگر بلکه وسیله جلب و جذب مشتری ها، استفاده می شود و به تھانه برابری با مرد ها، کار های سنگین صرفاً مردانه را بدون بذل توجه به وضعیت جنسی و جسمی و فزیولوژیک او به دوش وی انداختند و از سوی دیگر با شعار های آزادی در جامعه او را از قید و بند اخلاق جدا ساخته و به نام آزادی، در ادارات و کار گاه ها بصورت آرایش کرده و خود نمایی ها فردی جهت جلب توجه مرد ها، در زندگی دخیل سازند.

مقام زن در باور های اسلامی و انسانی: زن از دیدگاه اسلام با مرد در حقیقت انسانی و سیر تکاملی تفاوتی ندارد، بر این اساس در عرصه های اساسی هر دو دوشادوش هم به پیش میروند، و میگویند که زن و مرد هردو، دو بال پرنده زندگی اجتماعی، خانوادگی و انسانی هستند، که یکی از این بال ها وجود نداشته باشد،

این پرنده زیبا به پرواز در آمده نمیتواند، و ویژگی های مشترک شان از این قرار هستند:

- 1- در عرصه کمال و سیر تکامل علمی و انسانی.
 - 2- در عرصه جزا و دست یابی به مزد و پاداش الهی.
 - 3- در عرصه جنت و دسترسی به مقامات اخروی و یوم الحشر.
 - 4- در عرصه تقرب و دستیابی به مقامات معنوی.
- از این سبب تردیدی نیست که در عرصه های مورد اشاره زن و مرد در نگرش اسلامی مساوی اند، تنها در برخی از عرصه های فرعی زندگی است که هر کدام با توجه به جایگاه ویژه ای که در نظام احسن دارند، از دیدگاه و بینش اسلامی و احکام شرعی تفاوت هایی بر اساس عدالت الهی دارند که با فلسفه خلقت آنها هماهنگی کامل دارند.

پی نوشت ها :

- 1- تهج الحیة" فرهنگ سخنان فاطمه"، محمد دشتی، 1375 خورشیدی.
- 2- آئینه زن" مجموعه سخنان قیادت و رهبری"، 1375 ، خورشیدی.
- 3- حقوق زن از دیدگاه قرآن، به زبان اردو.
- 4- جایگاه زن در آثار و آفریده های عهدین، انگلیسی.
- 5- جایگاه زن در جامع اولیه و ابتدایی .
- 6- زن و عربستان دوره جاهلیه .
- 7- مقام زن در دنیای مدرن و تکنولوژی.
- 8- زن در آئینه جمال و کمال ، به زبان انگلیسی.

For reference or any concerns, you can contact me in person:
npaikar@live.com